

تحلیل قرآنی از گونه‌های انتخاب در کربلا

علی خادمی*

مقدمه

قرآن در سوره قیامت، حقیقتی را که منکران معاد در دنیا پنهان می‌کردند، آشکار می‌کند. آنان وانمود می‌کردند که شبهه‌ای علمی، یعنی ممکن نبودن زنده شدن مرده باعث می‌شود به رستاخیز ایمان نیاورند؛ ولی قرآن ماهیت‌شان را روشن کرد:

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ^۱ آیا انسان می‌پندارد که هرگز استخوان‌های او را جمع نخواهیم کرد؟! آری، ما قادر هستیم که (حتی خطوط سر) انگشتان او را موزون و مرتب کنیم. [نه اینکه به گمان او قیامتی در کار نباشد] بلکه انسان می‌خواهد [با دست و پا زدن در شک و تردید] فرارویش را [از اعتقاد به قیامت که بازدارنده‌ای قوی است] باز کند [تا برای ارتکاب هر گناهی آزاد باشد!].

درد واقعی معادستیزان، شبهه علمی نیست؛ بلکه شهوت عملی باعث شده که با زبان خود به انکار قیامت روی بیاورند؛ زیرا معادباوری را مانعی بر سر راه شهوت‌رانی خود و خویشتن را بر سر دو راهی نقد و نسیه می‌بینند. در نهایت نیز دست به اقدامی نابودگر زده و نقد را با نسیه عوض نمودند. از همین رو دلیل اصلی منکران معاد را این‌گونه بیان می‌کند: «كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَ تَذَرُونَ الْآخِرَةَ»^۲ چنین نیست که

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. قیامت: ۳ - ۵.

۲. قیامت: ۲۰ و ۲۱؛ نیز ر.ک: سید محمد حسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲۰، ص ۱۱۱؛

احمد مصطفی المراغی؛ تفسیر المراغی؛ ج ۲۹، ص ۱۵۲.

شما می‌پندارید؛ بلکه شما دنیای زودگذر را دوست دارید و آخرت را رها می‌کنید». این آیات بیانگر یک قاعده قرآنی فراگیر است که «اگر در دو راهی‌های انتخاب، سود آنی را ملاک قرار دادیم؛ سعادت و خوشبختی واقعی را از دست خواهیم داد و چنانچه سود آتی و زمان‌بر را پذیرفتیم، شقاوت و نگون‌بختی را از خویشتن دور کرده‌ایم». در حقیقت سعادت، در گرو انتخاب سود آتی و شقاوت، محصول گزینش سود آنی است. البته فرصت انتخاب نیز زیاد نیست و در بزنگاه انتخاب، سرعت عمل لازم است. چه بسا با اندکی تأخیر در انتخاب و دودل بودن، میان انسان و سعادت فرسنگ‌ها فاصله بیفتد.

سود آنی در واقعه کربلا

قاعده قرآنی فوق، به خوبی در صحنه کربلا تفسیر عملی شد و دو گونه انتخاب را نمایان کرد. جبهه غیر حسینی را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: امامان جور و کفر یعنی یزید و بنی‌امیه، سپاهیان آنان و نیز غایبانی که بدون عذر، امام مظلوم علیه السلام را یاری نمودند؛ مانند عبیدالله بن حرّ جعفی.

این سه گروه، یک وجه مشترک دارند که موجب انتخاب غلط و شقاوتشان شد. آن نقطه اشتراک نیز همان بیدارباش قرآنی است که ریشه انحراف و شقاوت را در زمان‌ها، مکان‌ها و موقعیت‌های گوناگون به روشنی بیان کرده و «گزینش سود آنی» را سبب دوری از حق و حقیقت و گرایش به باطل معرفی نموده است. این حقیقت قرآنی را به صراحت در زیارت اربعین نیز می‌خوانیم:

وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنَىٰ وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ؛^۱

آنان که بر ضد آن حضرت هم‌دست شدند، کسانی بودند که دنیا فریشتان داد و بهره (واقعی و سعادت) خود را در ازای بهایی ناچیز (اما فوری) فروختند و آخرت خود را در مقابل بهایی اندک از دست دادند.

آن بدعاقبتان کسانی بودند که حکومت ری، درهم و دینار و پست و مقام را از آن جهت که نقد بود، برگزیدند و سعادت و بهشت و هم‌نشینی با اولیای الهی و

۱. محمد بن الحسن طوسی؛ مصباح‌المتجهج و سلاح‌المتعبد؛ ج ۲، ص ۷۸۸.

قرارگرفتن در مقام رضای پروردگار را از آن جهت که زمان‌بر بود، کنار زدند. اگر عیش است، صد بیمار با اوست و گر برگ گلی، صد خار با اوست متأسفانه بسیاری از آنان، حقیقت را می‌دانستند و با ثمن و مثن این دو معامله‌ای که در پیش رو داشتند، آگاه بودند و با این حال ثمن اندک و پست را به دلیل فوری و آنی بودن انتخاب نمودند و از ثمن بی‌نظیر و ماندگار، به دلیل زمان‌بر بودن آن اجتناب کردند. وقتی نامه ابن‌زیاد با وعده حکومت به عمرسعد رسید، او این واقعیت را در قالب شعر به زبان آورد که ترجمه آن چنین است:

به خدا سوگند نمی‌دانم چه کنم و سرگردانم. وقتی فکر می‌کنم، می‌بینم بر سر دو راهی هستم. آیا حکومت ری را در حالی که آرزوی من است، رها کنم؟ یا برای گرفتن ملک ری، سرزنش کشتن حسین را به جان بخرم؟ می‌دانم که در کشتن حسین، آتشی است که راه فراری ندارد؛ ولی چه کنم، حکومت ری نور چشم من است!^۱

عبیدالله بن حرّ جُعفی نیز با همین بینش، به جمع محرومان از سعادت پیوست. شاید بتوان گفت اتفاقی که در ماجرای این فرد افتاد، بی‌نظیر بود؛ زیرا وقتی عبیدالله به نماینده امام جواب منفی داد، حجت خدا ﷺ شخصاً برای دعوت او به خیمه‌اش رفت و راه سعادت و نیک‌بختی را فرا رویش نهادند. سیدالشهدا ﷺ با توجه به سابقه سیاه او در حمایت از عثمان و پیوستن به معاویه، به او فرمود:

بدان که خداوند تو را نسبت به عملکرد گذشته‌ات مؤاخذه خواهد کرد. اکنون تو را به راهی دعوت می‌کنم که سرانجامش پاکی و توبه از گناهانت است. اگر در این حرکت پیروز شدیم که همگی حمد و سپاس الهی را به جا می‌آوریم. اگر هم مظلوم واقع شدیم، تو جزو طرفداران حق بوده‌ای (و در هر صورت، ضرری در کار نیست و بلکه کفاره کارهای پیشینت محسوب خواهد شد).^۲

۱. محمد بن علی ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابی‌طالب ﷺ؛ ج ۴، ص ۹۸.

فَوَاللّٰهِ مَا اُذِرِيْ وَ اِنِّيْ لَوَاقِفٌ
اَمْ اَتُرَكُّ مَلِكَ الرَّيِّ وَ الرَّيُّ مُنِيْبِيْ
فَفِيْ قَتْلِہِ النَّارُ الَّتِيْ لَيْسَ دُوْنَهَا
حِجَابٌ وَ مَلِكُ الرَّيِّ قُرَّةٌ عَيْنِيْ
اُفَكِّرُ فِيْ اَمْرِیْ عَلٰی خَطَرِيْنَ
اَمْ اُرْجِعُ مَدْمُوْمًا بِقَتْلِ حُسَيْنِ

۲. ابن‌اعثم کوفی؛ العتوح؛ ج ۵، ص ۷۴.

عبداللّه در پاسخ این همه دلسوزی و خیرخواهی، جمله‌ای عجیب بر زبان جاری، و ثابت کرد سود آنی و فوری را با هیچ چیزی عوض نمی‌کند. او با توجه به این‌که از اشراف و بزرگان کوفه بود و زندگی مرفه و قابل توجهی داشت، نمی‌خواست از آن‌ها دل بکند و آن همه امکانات را برای وارثان بگذارد و برود. وی ابتدا اعتراف کرد که به ابعاد ماجرا آگاهی کامل دارد و می‌داند مسیر سعادت از رهگذر همراهی با امام حسین علیه السلام می‌گذرد: «وَاللّٰهُ اِنِّیْ لَآَعْلَمُ اَنْ مِّنْ شَآئِعْكَ کَانَ السَّعِیْدُ فِی الْاٰخِرَةِ؛^۱ به خدا قسم می‌دانم که هر کس تو را همراهی کند، در قیامت سعادت‌مند خواهد شد». سپس با توجه به مشاهداتش در کوفه و آماده شدن ابن‌زیاد با سپاه و تجهیزات فراوان، مطمئن بود که این حرکت به شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش می‌انجامد. از این رو خطاب به حضرت گفت: «فَاَنْشِدْكَ اللّٰهَ اَنْ تَحْمِلْنِیْ عَلٰی هٰذِهِ الْخُطَّةِ، فَاِنَّ نَفْسِیْ لَمْ تَسْمَحْ بَعْدُ بِالمَوْتِ؛^۲ تو را به خدا قسم می‌دهم که من را وادار به این کار نکنی، چون هنوز نفسم آماده‌گی مرگ را ندارد!».

در نهایت عبداللّه نتوانست در دو راهی انتخاب، سود بهتر و مهم‌تر و سخت‌تر را انتخاب کند و با کوتاه‌بینی خود، به امید بهره‌برداری از سودهای آنی، به امام حسین علیه السلام پشت کرد و دست از یاری فرزند پیامبرش کشید. عبداللّه جعفری مصداق این شعر سعدی است:

آبستنی که این همه فرزند زاد و کشت دیگر که چشم دارد از او مهر مادری

در جریان بسیار غم‌انگیز کشتن مظلومانه دو نوجوان از قافله اسرا نیز همین محاسبه سود آنی مطرح است. مطابق گزارش شیخ صدوق، آنان فرزندان مسلم بن عقیل بودند و قاتل نیز داماد پیرزن صاحب‌خانه.^۳ وقتی مرد کوفی از آن‌ها پرسید: «شما که هستید؟»، پاسخ دادند: «ما از آل رسول‌خدا هستیم که از اسارت فرار کرده و به تو پناه آوردیم». مرد کوفی نیز تا فهمید آن‌ها از کاروان اسرای حسینی هستند، نفس

۱. ابوحنیفه دینوری؛ اخبار الطوال؛ ص ۲۵۱.

۲. همان.

۳. محمد بن علی صدوق؛ الامالی؛ ص ۸۳؛ گزارش دیگری را نیز علامه مجلسی در بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۰۵ نقل می‌کند.

خبیث‌اش او را فریب داد که اگر آن‌ها را بکشد و سرشان را نزد عیدالله ببرد، دو هزار درهم جایزه خواهد گرفت. عاقبت نیز نقشه شوم خود را عملیاتی کرد. بنابراین اگر انسان از مسیر هدایت خارج شد، حاضر می‌شود برای به دست آوردن منافع مادی زودرس و فوری، انسان‌های بی‌گناه و خردسالی را که به او پناه آوردند، بکشد و با زیر پا نهادن اصول دینی و انسانی و حتی تعصبات قومی خود، به سودی آنی بنگرد و همه فضایل را نادیده بگیرد.

در اغلب ملاقات‌هایی که در مکه توسط شخصیت‌های معروف صورت می‌گرفت نیز جملات به ظاهر دلسوزانه‌ای که خطاب به امام علیه السلام گفته می‌شد و ایشان را از حرکت به سوی کوفه نهی می‌کرد، همین نگاه مادی به سود آنی بود. برای مثال عبدالله بن عمر در استدلال خود برای ترغیب امام علیه السلام به نرفتن به کوفه، از بین رفتن چهره زیبا و نورانی امام علیه السلام را مطرح کرد و گفت: «می‌ترسم این چهره زیبا و نورانی شما با شمشیرها از بین برود!»^۱

سود آتی در واقعه کربلا

بنابر آنچه بیان شد راز انتخاب حسینیان نیز معلوم می‌شود. چه آن‌هایی که از ابتدا همراه امام علیه السلام بودند، مانند برادران و برادرزادگان حضرت و چه افرادی که در میانه راه به امام علیه السلام پیوستند؛ مانند زهیر بن قین و نیز چه کسانی که در شب یا صبح عاشورا به کاروان سعادت ملحق شدند. همه آن‌ها در دو راهی انتخاب، سود آتی را ملاک‌گزینش خود قرار دادند.

جوانان و نوجوانانی که اول زندگی‌شان بود و یا تازه ازدواج کرده بودند یا هنوز ازدواج هم نکرده بودند، سودهای آنی و فوری را نادیده گرفته و با صلابت و اطمینان خاطری عجیب اعلام کردند وقتی می‌دانند بر حق هستند، باکی از مرگ ندارند و مرگ از غسل شیرین‌تر است. از جمله شهدای کربلا، دو برادر به نام سیف و مالک بودند. این دو نفر که در ابتدای جوانی و در آغاز راه زندگی بودند، گریه‌کنان خدمت ابی‌عبدالله علیه السلام رسیدند و اجازه میدان رفتن خواستند. امام علیه السلام با دنیایی از مهر

۱. محمد حسینی موسوی؛ تسلیة المجالس؛ ج ۲، ص ۱۶۷.

و عطوفت با آنان سخن گفت و علت گریه را پرسیدند. به پاسخ این دو جوان دقت نمایند تا ببینید چگونه انسان می‌تواند به موقعیتی برسد که هیچ نگاهی به منفعت‌های فوری و آماده نداشته باشد و هیچ سودی نتواند مانع رشد و تکاملش گردد. آن‌ها خطاب به امام حسین علیه السلام گفتند: «ما برای خودمان نمی‌گرییم؛ بلکه بر تنهایی و مظلومیت شما گریه می‌کنیم. بر این گریه می‌کنیم که شما را در محاصره دشمن می‌بینیم، اما آنقدر قدرت نداریم که بتوانیم این محاصره را از شما برداریم.»^۱

زهیر که از اشراف کوفه و امکانات مادی و سودهای فوری و آنی زیادی در اختیارش بود، به همه آن‌ها پشت پا زد و به دعوت امام علیه السلام لبیک گفت. نقل شده است که جرعه تحول زهیر، این بود که با دیدن ابی‌عبدالله علیه السلام به یاد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم افتاد. او می‌گوید: «هنگامی که او را دیدم، به یاد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم افتادم.»^۲ بنابراین تفاوت در بینش و فهمیدن این نکته که سود آتی نه تنها بهتر و بیشتر از سود آنی است؛ بلکه قابل مقایسه با هم نیستند، کار او را به جایی رساند که دقیقاً بر خلاف عیدالله جعفری که گفت آمادگی مرگ را ندارم، آغوشش را برای مرگ باز کرد و در روز دوم محرم که وارد سرزمین کربلا شدند، جمله حکیمانه‌ای خطاب به امام علیه السلام عرض کرد که هم خودش و هم آن جمله را تا قیامت ماندگار کرد: «اگر دنیا تمام‌ناشدنی و پایدار می‌بود و قرار بود به جای یک عمر معمولی هشتاد ساله تا ابد در آن زنده بمانیم، باز هم همراهی با تو را انتخاب می‌کردیم و دست از نصرت شما نمی‌کشیدیم.»^۳

أم‌وهب نیز که تنها زن شهید در کربلاست، یکی دیگر از نامدارانی است که در دو راهی انتخاب، سود آنی را نادیده انگاشت و سعادت جاودانه را نصیب خود نمود. او که به همراه پسر^۴ یا همسرش^۵ به جمع حسینیان پیوسته بود، علاقه‌ها و احساسات

۱. ابن اثیر جزری؛ *الکامل فی التاریخ*؛ ج ۴، ص ۷۲: «وَاللَّهِ مَا عَلَيَّ أَنْفُسِنَا نَبِيَّيْ وَ لَكِنْ نَبِيَّيْ عَلَيَّكَ، تَرَكَ قَدْ أُحْيَيْتُ بِكَ وَلَا نَقْدِرُ أَنْ نَمْتَعَكَ».

۲. احمد بن یحیی بلاذری؛ *أنساب الأشراف*؛ ج ۳، ص ۱۸۴.

۳. علی بن موسی ابن طاووس؛ *الأنهوف علی قتلی الطغوف*؛ ص ۷۹: «لَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا لَنَا بَاقِيَةً وَ كُنَّا فِيهَا مُخَلَّدِينَ لَا تَوْتَنَا النَّهْوَصَ مَعَكَ عَلَيَّ الْإِقَامَةَ فِيهَا».

۴. ابن اعثم کوفی؛ *الفتوح*؛ ج ۵، ص ۱۰۴.

۵. محمد بن جریر طبری؛ *تاریخ طبری*؛ ج ۵، ص ۴۳۸.

زنانه را زیر پا نهاد و عزیزش را نسبت به شهادت در رکاب امام مظلوم علیه السلام و دفاع از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله تشویق می کرد و در نهایت نیز خودش بالای پیکر او، توسط رستم غلام شمر به شهادت رسید.^۱

برداشت‌هایی از دو نوع انتخاب عاشورایی

آنچه امروز مهم و وظیفه ما عزادارن حسینی و بیزاران از یزید و یزیدیان است، عبرت‌آموزی و پند گرفتن از این تحلیل‌های کربلایی است. هنگامی که متوجه شدیم ریشه انتخاب‌های متفاوت در قصه کربلا، گزینش سود آتی از سوی یک طرف ماجرا و انتخاب سود آتی از سوی دیگر است؛ باید بکوشیم که سبک زندگی‌مان را به انتخاب و بینش حسینیان نزدیک، و از انتخاب و نگاه یزیدیان دور کنیم؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرموده است: «طُوبَى لِمَنْ تَرَكَ شَهْوَةَ حَاضِرَةٍ لِمَوْعُودٍ لَمْ يَرَهُ؛ خوشا به حال کسی که شهوت حاضر و آماده را به خاطر وعده‌های نادیده ترک کند».

نگاهی به وضعیت جامعه امروز گویای آن است که بیشتر آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی‌ای که درگیر آن هستیم، نشأت گرفته از همین بینش سود فوری و آتی است. در حوزه خانواده و طلاق، اگر نگاه منفعت‌طلبی فوری در زوجین نباشد، حاضر نمی‌شوند سرنوشت آتی فرزندان و حتی خودشان را با خطرهای جدی روبه‌رو کنند. اگر خوب بیندیشند که فرزند عزیزشان وقتی به سن ازدواج برسد، وضعیت طلاق والدینشان باعث می‌شود از موقعیت‌های ازدواج با همسری ایده‌آل محروم گردند و به جرم فرزند طلاق بودن، به گزینه‌ای پایین‌تر بسنده کنند.

در همین ایام بیماری کرونا که طبقات ضعیف و متوسط جامعه با مشکلات معیشتی روبه‌رو بودند، برخی تاجران کلان و اصلی که با پول و سرمایه همین مردم به جایگاه فعلی خود رسیدند، نه تنها باری از دوش هموطنان خود برنداشتند؛ بلکه با چند برابر کردن قیمت مایحتاج مردم، به دنبال سودهای فوری و آتی خود بودند تا شاید ارشی بیشتر و سنگین‌تر برای وارثان خود به جای بگذارند. این افراد چهره جامعه اسلامی را مخدوش و دروغ و دروغگویی را با زبان و عمل خود فراگیر می‌کنند.

۱. محمد بن طاهر سماوی؛ *بصار العین*؛ ص ۲۲۷.

۲. محمد بن محمد مفید؛ *الامالی*؛ ص ۵۱.

سود آئی یا بردگی نقد

زیانکاران به ظاهر زیرک، سود آئی را نوعی زیرکی و زرنگی می‌پندارند؛ در حالی که اگر به عمق آن نگاه شود، یک نوع بردگی فوری و نقد است؛ زیرا در مقابل آنچه به دست آورده‌اند، هزینه زیادی را از دست داده‌اند.^۱

فرجام سودگرایان

کسانی که معیار رفتارها و انتخابشان، سود آئی است؛ هرگز نمی‌توانند طراحی‌های بزرگ داشته باشند و برای اهداف مهم برنامه‌ریزی کنند. اگر امام خمینی علیه السلام، از آغاز نهضت اسلامی به دنبال پیروزی فوری بود، در همان ابتدای کار که جز زندان و تبعید و کشته شدن چیز دیگری نصیب خود و یارانش نشده بود، دست از کار می‌کشید و هرگز جمهوری اسلامی را تأسیس نمی‌کرد. همچنین رستوران‌داران و فروشندگانی که با نگاه سودآوری فوری و ره صد ساله را چند ماهه پیمودن، از کیفیت غذا و جنس خود کم می‌گذارند، نه تنها وزر و وبال اخروی و معنوی دامن‌گیرشان می‌شود؛ بلکه سود آئی و درازمدت خود را نیز به خطر می‌اندازند و در هدف دنیایی خود هم ناکام می‌مانند. برای مثال عییدالله جعفری که می‌گفت آمادگی مرگ را ندارم و اکنون وقت زندگی من است و باید امکانات مالی را مورد استفاده قرار بدهم، پس از واقعه عاشورا هشت سال آواره کوه و بیابان شد و در نهایت در درگیری با طرفداران مصعب بن زبیر، خود را در رودخانه انداخت^۲ و نه تنها از مال و ثروتش بهره‌مند نشد؛ بلکه اثری از قبر او نیز وجود ندارد. این در حالی است که قبر شهیدان راه حسین علیه السلام، قبله‌گاه عالمیان شده است.

۱. ر.ک: مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲۳، ص ۴۵۴.

۲. ر.ک: ابن اثیر جزری؛ الکامل فی التاریخ؛ ج ۴، ص ۲۹۴.

فهرست منابع

۱. ابن طاووس، علی بن موسی؛ *اللهوف علی قتلی الطفوف*؛ چاپ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۴۸ش.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ *مناقب آل ابی طالب*؛ چاپ اول، قم: نشر علامه، ۱۳۷۹ق.
۳. بلاذری، احمد بن یحیی؛ *أنساب الأشراف*؛ چاپ اول، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ق.
۴. جزری، ابن اثیر؛ *الکامل فی التاریخ*؛ چاپ اول، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ق.
۵. حسینی موسوی، محمد؛ *تسلية المجالس و زینة المجالس*؛ چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۸ق.
۶. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود؛ *الأخبار الطوال*؛ چاپ اول، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ش.
۷. سماوی، محمد بن طاهر؛ *إبصار العین فی أنصار الحسین*؛ چاپ اول، قم: دانشگاه شهید محلاتی، ۱۴۱۹ق.
۸. صدوق، محمد بن علی؛ *الأمالی*؛ چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۹. _____؛ *الخصال*؛ چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۷ق.
۱۱. طبری، محمد بن جریر؛ *تاریخ طبری (تاریخ الأمم و الملوک)*؛ چاپ دوم، بیروت: دار التراث، ۱۹۶۷م.
۱۲. طوسی، محمد بن الحسن؛ *مصباح المتهدد و سلاح المتعبد*؛ چاپ اول، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق.
۱۳. مفید، محمد بن محمد؛ *الأمالی*؛ چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۴. کوفی، ابن اعثم؛ *الفتوح*؛ چاپ اول، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۱۱ق.
۱۵. مراغی، احمد مصطفی؛ *تفسیر المراغی*؛ بیروت، دار الفکر، بی تا.
۱۶. مطهری، مرتضی؛ *مجموعه آثار شهید مطهری*؛ تهران: صدرا، ۱۳۷۷ش.